

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۹۸ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۶۹ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۱۰/۱۱

فهرست

- درخواست راهنمایی بندگان خدا در مسیر رشد
- انسان در زندگی نان هدف‌هایش را می‌خورد
- حجت بر بشریت تمام شده است
- ارتباط با کریم، طبع انسان را کریم می‌کند
- طبع دنیا لثامت است
- علامت دوستی حقیقی با خدای متعال کرامت است
- درخواست حضور در حلقه اصحاب اولیاء
- شروط صلاحیت راهنمایی بندگان خدا
- آرمان معیت با محمد و آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین)
- تفاوت رجاء صادق با رجاء مکذوب
- شهید سلیمانی؛ حاصل مقارنت عمل صالح با اخلاص
- شهداء، ستاره‌های راهنما هستند
- سیر مراتب کمال به سوی خدا و رسول
- شهید و مؤمن صادق در عالم برزخ رشد دارد
- پرچم‌دار رشد برای خلق باشید
- فاطمه (سلام‌الله‌علیها) راز سر به مهر آفرینش است
- جلوات کوثر در زمانه ما
- گشایش ابواب رحمت الهی، با توسل به ساحت حضرت زهرا (س)
- افتخار به شرف بانو بودن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردمعه

مطابق با قواعد عقل و شرع.

دوم: فرمود «و اجعلنی من

اهل السداد»؛ یعنی من را

جزو کسانی قرار بده که گفتار

و رفتارم استوار و محکم باشد.

ان شاء الله خدای متعال هر دو

را روزی همه عزیزان بفرماید.

سومین درخواست: «و من

ادلة الرشاد». چهارم: «و

من صالح العباد». پنجم:

«و ارزقنی فوز المعاد».

ششم: «و سلامة المرصاد».

درخواست راهنمایی بندگان

خدا در مسیر رشد

و اما درخواست سوم که خیلی

درخواست عجیبی است «و من

ادلة الرشاد»، یعنی از خداوند

تبارک و تعالی می خواهیم که

ما را جزء راهنمایان بندگان

خدا در مسیر رشد قرار بدهد.

خیلی درخواست بزرگی است.

«وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ السَّادَاتِ،
وَ مِنْ أَدْلَةِ الرَّشَادِ، وَ مِنْ
صَالِحِ الْعِبَادِ، وَ ارْزُقْنِي فَوْزَ
الْمَعَادِ، وَ سَلَامَةَ الْمِرْصَادِ»!

به توفیق پروردگار متعال در

گزارش مضامین بیستمین دعای

صحیفه مبارکه سجادیه، به این

قطعه پرنور رسیدیم. بعد از

صلوات بر محمد و آل محمد

و در پرتو ولایت اهل بیت

(علیهم السلام) و بانور گرفتن از سیره

و روش پیامبر اعظم و اهل بیت

(علیهم السلام)، این جا شش

درخواست مطرح می شود.

یک: «متعنی بالاقتصاد»؛ مفصل

در باره اش صحبت کردیم که

یعنی داشتن شیوه میانه روی

در زندگی، اندازه گذاری

۱ فرازی از دعای بیستم صحیفه

سجادیه



انسان در زندگی نان هدف‌هایش را می‌خورد

در گذشته به عرض‌تان رسید که دعای مکارم الاخلاق ویژگی‌اش این است که همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند. این جا منظور کلمه مردان، مرد و زن نیست، مردان روزگار یعنی انسان‌های بزرگ روزگار. این همان رجال قرآن است. «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...»^۲ یعنی انسان‌های بزرگ، که انسان‌های بزرگ اگر به جایی رسیدند از همت بلند رسیدند. انسان در زندگی‌اش نان هدف‌هایش را می‌خورد، چه هدفی را انتخاب کرده باشد، چه مقصدی را انتخاب کرده باشد. خداوند تبارک و تعالی به کسی که به قله‌ها فکر

بینید یک وقت شما از خدای متعال می‌خواهید که خدایا من را جزء راشدین قرار بده، جزء کسانی قرار بده که به رشد رسیدند، من خودم به رشد برسم. یک وقت هست که می‌گویید من دلیل و راهنمای بندگان تو به سوی رشد باشم. این یعنی چی؟ پیامبران و اولیاء خدا هادیان خلق به سوی مقاصد بزرگ هستند، آن‌ها کسانی هستند که راهنمایی کننده انسان‌ها به سوی خدای متعال هستند، رشد را آن‌ها به بندگان خدای متعال آموزش می‌دهند، شما می‌گویید خدایا من می‌خواهم جزو آن‌ها باشم. خیلی هدف‌گذاری بزرگی است.

مثلاً رفته سمت قله دماوند، گفت تا همین دامنه‌اش هم ما برویم خیلی است، به آن دامنه‌اش هم نمی‌رسد. همان جلوها کم می‌آورد. چرا؟ چون هدفش پایین بود. وقتی شما هدف‌تان را پایین گرفتید توان شما به اندازه همان هدف‌تان تأمین می‌شود. لذا همین که چند قدم رفتید خسته می‌شوید. حال شما گرفته می‌شود، انسان زود احساس خستگی می‌کند، چرا؟ به خاطر این که هدفش پایین است، هدفش پایین بود. در کل دعای مکارم الاخلاق، از آن جمله اول که ما یک سال و نیم، دو سال پیش شروع کردیم به خواندن تا این جا رسیدیم، از آن جمله اول، امام (علیه‌الصلوة والسلام) به من و شما آموزش دادند که اگر می‌خواهید در طریق مکارم

می‌کند ظرفیت سیر به سوی قله‌ها را می‌دهد. ولی اگر کسی به هدف‌های پیش پا و دم دستی قانع باشد، سوخت او یعنی انگیزه‌اش، یعنی آن قوه درونی برای سیر او، متناسب با همان هدف تنظیم می‌شود. شما وقتی در آستانه یک قله مرتفعی قرار گرفتید، اگر گفتید من حتماً می‌خواهم این قله را فتح کنم، انگیزه و سوخت باطنی و روانی شما برای رسیدن به آن قله تأمین می‌شود. اگر به قله نرسید به آستانه‌اش می‌رسید. چنان که اگر مثلاً دانش‌آموزی بود که به کمتر از بیست فکر نمی‌کند، حالا اگر بیست نگرفت، بالاخره نوزده، هجده، هفده می‌گیرد. اما اگر یک کسی گفت ما اگر یک ده هم بگیریم کافی است، این اگر هشت بگیرد خیلی است. آن کسی هم که

درسی است که می‌گیریم.

حجت بر بشریت تمام شده است

علاوه بر این که فرمود خدایا «**متعنى بالاقتصاد**»، علاوه بر این که فرمود: «**واجعلنى من اهل السداد**»، حالا می‌رود بالاتر «**و من أدلة الرشاد**»، «**الرشاد**» از همین کلمه رشد گرفته شده است، نقطه مقابل آن «**غی**» است. «**قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ**»^۳ فرمود راه صحیح که شما را به مقصد می‌رساند که اسمش رشد است، نقطه مقابل آن «**غی**» است که عبارت است از انحراف. مسیر انحرافی است که شما را می‌برد به تهِ درّه. این شما را می‌برد به قله می‌رساند، آن شما را می‌برد به تهِ درّه. این به اوج می‌برد، آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره

اخلاق که طریقت محمد و آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین) است، اگر خواستید قدم بردارید، باید بلند همت باشید. این را یادتان باشد. یعنی در این مسیر آدم‌های کم همت، آدم‌های با هدف‌های دم‌دستی نمی‌توانند به جایی برسند. خواستید با اولیاء باشید، معیت داشته باشید، همراهی داشته باشید یا به عبارت مشهور جزء شیعیان اهل بیت (علیهم‌السلام) باشید که قدم در مسیر آن‌ها می‌گذارند، پشت سر آن‌ها حرکت می‌کنند، این با هدف‌گذاری متوسط نمی‌سازند، تا چه برسد به هدف‌گذاری ضعیف، اصلاً نمی‌سازند. آدم‌های کم همت در این مسیر نمی‌توانند قدم‌های بلندی بردارند. باید هدف‌گذاری شما هدف‌گذاری بالا و والایی باشد. پس این

هدایت را از ضلالت برای شما مشخص کرده است. ثواب را از عقاب برای شما کاملاً مشخص کردند. لذا حجت تمام شده است. بنابراین حالا شما این جا می‌گویید که خدایا من را جزء کسانی قرار بده که من جزء راهنمایان بندگان تو به سوی رشد باشم. رشد هم به معنای همان هدایت است و رشاد از همین ریشه گرفته شده است.

ارتباط با کریم، طبع انسان را کریم می‌کند

«وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۶ فرمود در این عالم زیباتر، خوشگل‌تر، درخشان‌تر، خواستنی‌تر از آن کسی پیدا نخواهید کرد که سخن او خلق را به سوی

۶ آیه ۳۳ سوره مبارکه فصلت

آن به حزیض می‌برد «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ». فرمود ما هم باطناً به وسیله عقل مسیر رشد را از انحراف برای شما روشن کردیم «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»، شما فطرتاً گناه را از ثواب تشخیص می‌دهید، «قَدْ تَبَيَّنَ» باطناً برای شما تعریف شد، علاوه بر این خدای متعال اولیاء خدا و انبیاء را فرستاده برای این که این را باز برای شما تشریح کنند، حجت را بر شما تمام کردند. حجت بر بشریت تمام شده است. هم به حسب فطرت حجت تمام شده که «فَاللَّهُمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا»، هم به حسب شریعت که خدای متعال از طریق اولیاء و انبیاء خودش مسیر را به شما نشان داده است. صحیح را از سقیم، رشد را از غی و

۴ آیه ۸ سوره مبارکه شمس
۵ آیه ۸ سوره مبارکه شمس

یا به عبارت زیباتر حضرت حق تبارک و تعالی به من لطف کرده و حلاوت بندگی خودش را به من چشانده و کام من را شیرین کرده است، حالا من می‌خواهم کام شما هم شیرین بشود. ایها الناس بیایید که شیرینی‌ها این جاست، بیایید شما هم بچشید. چون کسی که با خدای متعال ارتباط حقیقی پیدا کرد، با خدای متعال دوست شد، این طبعش می‌شود طبع کریم، چون ارتباط با کریم انسان را کریم می‌کند. طبع کریم نقطه مقابل بخیل است.

طبع دنیا لئامت است

اهل دنیا وقتی به دنیا می‌رسند دنیا را فقط برای خودشان می‌خواهند ولو به قیمت این که دیگران محروم

خدای متعال دعوت کند، «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا» چه سخنی زیباتر از این «مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ» که بندگان خدا را به سوی خدای متعال دعوت کند. متها این سخن او پشتیبانی عملی دارد «وَعَمَلٌ صَالِحًا»، فقط سخن نیست. سخن او هدایت کننده مردم به سوی خدای متعال است با پشتوانه عمل «وَعَمَلٌ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۷ یعنی قبل از این که من به شما بگویم، خودم تسلیم امر خدای متعال هستم. من خودم به سوی خدای متعال حرکت کردم، قبل از این که به شما بگویم.

حالا که من طعم هدایت را چشیدم، طعم ارتباط با خدای متعال را چشیدم، طعم دوستی با خدای متعال را چشیدم، طعم بندگی خدای متعال را چشیدم،

جا در بهشت وارد شده است.

علامت دوستی حقیقی با خدای متعال کرامت است

حالا غرض اینکه علامت دوستی حقیقی با خدای متعال کرامت است، وَا لَا ادَّعَا است. یعنی اگر کسی خط ارتباط واقعی با خدای متعال برقرار کرد یک علامت دارد، علامتش کرامت است. کرامت یعنی چی؟ یعنی شخصیت گسترده و وسیع پیدا می‌کند، به خاطر ارتباط با خدای کریم طبع او کریم می‌شود، دست‌دهنده پیدا می‌کند، سفره‌دار می‌شود و می‌خواهد همه خلق در آن شیرینی که او چشیده سهیم بشوند. می‌گوید بیایید ببینید چه خبر است. می‌گوید من به یک بهره‌مندی رسیدم که نپرس، به لطفی رسیدم که

بشوند، می‌گوید فقط من بخورم، حالا که رسیدم تنهایی می‌خورم. طبع دنیا لثامت است، آدم‌هایی که اهل دنیا می‌شوند لئیم می‌شوند، لئیم یعنی آن کسی که پست است، چون دنیا پست است، اهل دنیا هم اهل لثامت پستی هستند، لذا وقتی به آن رسیدند این را فقط برای خودشان می‌خواهند، لذا طبع اهل دنیا بخل است، نشانه‌شان این است، بخیل هستند که پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) فرمودند بخل از جنس جهنم است «و البخیل فی النار»، انسان بخیل هم از همین جا باید بداند که جایش کجاست. نقطه مقابلش سخاوت است. همچنین حضرت فرمودند سخاوت از خدای متعال است «و السخی فی الجنة» آدم جواد و باسخاوت وسط بهشت است. از همین

یک چنین منزلتی است که من هم بشوم جزو دعوت کنندگان به سوی خدای متعال. من باشم جزو آن کسانی که مردم را به سوی ارزش‌ها و زیبایی‌ها و مکارم اخلاق و اخلاق الهی دعوت می‌کنم، من هم جزو این‌ها باشم.

درخواست حضور در حلقه اصحاب اولیاء

خیلی درخواست بزرگی است، اگر کسی چنین درخواستی را داشته باشد یعنی قله را توقع کرده است، یعنی همراهی با اولیاء، یعنی همان خطی که بزرگان ما از صالحین، آن خطی که شایستگان ما داشتند، این‌ها به خاطر معیت با اولیاء و رسیدن به آن درجات این‌گونه بودند که برای دعوت خلق، تکمیل‌کننده و مبارکه سجاده

مپرس، به حلاوت و شیرینی‌ای رسیدم که مپرس، به جمالی رسیده‌ام که مپرس، به کمالی رسیده‌ام که مپرس. می‌گوید بیا ببین که من چه چیزهایی دیدم، تو هم بیا ببین، تو هم بیا برس، تو هم بیا بجش. لذا آن شیرینی که خدای متعال به این‌ها می‌دهد، این‌ها شیرینی را که گرفتند توزیع می‌کنند، همه را صدا می‌کنند بیا بید ببینید چه خبر است، «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلَ صَالِحًا وَ قَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۸ این کسی است که به سوی خدای متعال دعوت می‌کند، یعنی همان شیرینی ارتباطش را با حضرت حق توزیع می‌کند، همه را به خدای متعال دعوت می‌کند. این «من ادلة الرشاد»^۹ درخواست

۸ آیه ۳۳ سوره مبارکه فصلت

۹ فرازی از دعای بیستم صحیفه

آگاهی از احکام الهی، آگاهی از فضیلت‌ها، حالا هر چه آگاهی بیشتر بهتر. اگر کسی بخواهد بشود «ادله الرشاد» یعنی دیگران را راهنمایی کند، باید اول خودش رفته باشد، خودش رسیده باشد، خودش اهل راه باشد، این یک.

شرط دوم: ایمان می‌خواهد، «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...»^{۱۰} خود رسول نسبت به پیام خودش ایمان دارد. پس هم آگاهی می‌خواهد هم ایمان، باید باور کرده باشد.

شرط سوم: عمل می‌خواهد. ویژگی همه اولیاء خدا این است که قبل از این که به دیگران عمل کردن را بگویند، اهل عمل هستند. امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) در نهج البلاغه

می‌گوید من شما را هرگز
 ۱۰ آیه ۲۸۵ سوره مبارکه بقره

کمک‌کننده به اولیاء خدا بودند، یعنی در حلقه اصحاب اولیاء تعریف می‌شوند، جزو حواریون هستند. حواریون محمد و آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه علیهم‌اجمعین) این جماعت هستند.

شروط صلاحیت راهنمایی بندگان خدا

این سه شرط دارد. شرط اول آگاهی است، شرط دوم ایمان است، شرط سوم عمل است. این سه کنار هم است. اولیاء خدا این گونه بودند. یعنی کسی را که ما می‌گوییم پیامبر است، کسی که می‌گوییم امام است، ولی کامل است، این خصوصیات را دارد.

اولاً بصیر است، روشن است، آگاه است. این نیاز به آگاهی دارد، آگاهی از امر خداوند، آگاهی از نهی خداوند،

به طاعتی دعوت نکردم مگر این که خودم قبل از شما انجام دادم، اهل عمل هستید. این سه کنار هم که قرار گرفت، این شخص می‌شود «من ادلة الرشاد»، هم آگاه است، هم مؤمن است، هم عامل است، اهل عمل است. قبلاً هم شبیه این را در جمله قبلی داشتیم، «اللهم و انطقنی بالهدی»^{۱۱} می‌فرماید خدایا زبان من را به هدایت باز کن که من وقتی حرف می‌زنم از زبان من نور پاشد. ذهن مخاطب من را روشن کند، نورانی کند، دلش را روشن کند، راه را به او نشان بدهد. این جمله «و اجعلنی من ادلة الرشاد» یک کمی از «و انطقنی بالهدی» قوی‌تر است، «و اجعلنی من ادلة الرشاد»

۱۱
 فرازی از دعای بیستم صحیفه
 مبارکه سجاده

آرمان معیت با محمد و آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین)

این خیلی مهم است در زندگی‌ات می‌خواهی به کجا برسی. داداش جان اگر به همین‌ی که الان هستی قانع باشی باختی، باختی تمام شده رفته است. مؤمن هرگز به شرایطی که در آن هست قانع نیست، در هر درجه‌ای باشد به دنبال درجه بالاتر است،

جهد اصغر داشته باشد، یعنی وارد میدان مجاهدت بشود، ان شاء الله قدم به قدم برود به توفیق الهی برسد به آن جایی که باید برسد. نص قرآن کریم است «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^{۱۳} العظمه الله، این است. «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ» اگر کسی از منزل نفس‌اش به سوی خدا و رسول حرکت کرد، گفت مقصد من خداوند تبارک و تعالی است، لقاء الله است. لقاء الله یعنی چی؟ یعنی این که من شباهتی به رسول خدا پیدا کنم، راهش این است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...»^{۱۴} من یک شباهتی به رسول خدا ببرم. این گونه می‌توانم برسم. «لِمَنْ

۱۳ آیه ۱۰۰ سوره مبارکه نساء

۱۴ آیه ۲۱ سوره مبارکه اعراف

اصلاً به قله‌ها فکر می‌کند، فرمودند شما به کمتر از این فکر نکنید. تعبیر خیلی تعبیر دقیقی است. جز به معیت با محمد و آل محمد (صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌اجمعین) اصلاً فکر نکنید. یعنی فقط همان مقام تشیع. آن وقت مقام تشیع مقام کیست؟ اما رضا (علیه‌السلام) فرمودند: «إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ»^{۱۲} بعد می‌آیید پایین‌تر فرمود «سلمان، ابوذر، مقداد» به کمتر از این قانع نباشید، بگویید من می‌خواهم سلمان این خانواده بشوم، در زندگی‌تان این گونه نگاه کنید، هدف‌گذاری‌ها باید بلند باشد.

آن وقت انسان از خدای متعال بخواهد، به لوازمش هم ملتزم بشود، برای آن هم برنامه بریزد، استاد بگیرد، برنامه‌ریزی کند، مجاهدت کند، جهاد اکبر کند،

است. پس این راه است که شما اهل این بیت بشوید. **كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا**^{۱۵} این است.

پس اگر کسی هدفش را این گونه انتخاب کرد، یعنی از بیت نفس‌اش خارج شد، مقصد کجاست؟ مقصد خداوند است، مقصد کجاست؟ مقصد رسول خدا است. می‌خواهم به آن نزدیک بشوم. این حرف سلمان است. سلمان می‌گوید من جز این که اهل این بیت بشوم به کمتر از این قانع نیستم، که یک کاری بکنم، به یک جایی برسم که پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) جلوی تمام عالم با صدای بلند اعلام کند به این سلمان نگویند سلمان فارسی، این دیگر با شهر و با کشورش شناخته نمی‌شود، «سلمان منّا اهل‌البیت» این با ما شناخته می‌شود. سلمان محمدی است، مال ما

بنابراین اگر کسی حرکت کرد گفت من از خودم حرکت کردم، این جایی که من هستم حقیض است، مقارن به جهنم است، مقارن نقص است، مقارن عیب است، سراپای من پُر از عیب است، پُر از نقص است. من از نقص می‌روم به سوی کمال، از خودم می‌روم به سوی خدا «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^{۱۶} مسیر من، رجعت من به سوی خدای متعال است. می‌روم به سمت خدایی شدن، خدایی شدن یعنی شباهت پیدا کردن به محمد و آل محمد (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم‌اجمعین).

تفاوت رجاء صادق با رجاء مکذوب

همیشه مشغول مطالعه، فکر، دنبال استاد و دنبال کار علمی و تحقیقی و پژوهشی است و اصلاً خسته نمی‌شود. این معلوم می‌شود راست گفته است، در اصطلاح روایات ما به این می‌شود گفت رجاء صادق، خیلی تعبیر زیباست «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ...»^{۱۷}، باید راه بیفتد، باید عمل کند. «عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^{۱۸} این باید اهل عمل صالح باشد و خالصانه هم حرکت کند «وَلَا يُشْرِكُ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^{۱۹} اگر کسی اهل عمل شد، عملش هم قرین اخلاص شد، چنین کسی به ملاقات رحمت حق تبارک و تعالی و به لقاء حضرت حق خواهد رسید.

این را یادتان باشد، ادعا نه، آرزوی سطحی نه، ببینید بعضی وقت‌ها ما می‌گوییم بله آرزوی من هم این است که به فلان جا برسم، مثلاً می‌گوید من آرزوی‌ام این است که یک دانشمند کاملی بشوم، ولی نه درس می‌خواند، نه تلاش می‌کند، نه استاد می‌بیند، نه شب‌بیداری می‌کشد، اصلاً از این خبرها نیست، همین جوری می‌خواهد برسد به آن جایی که باید برسد. اصطلاحاً به آن می‌گویند رجاء مکذوب؛ آرزوی دروغین، این آرزوی دروغین است. اما رجاء صادق چیست؟ رجاء صادق این است که راه افتاده، دارد می‌رود. اگر گفت من می‌خواهم دانشمند بشوم دیگر شب از روز نمی‌شناسد. این

۱۷ آیه ۱۱۰ سوره مبارکه کهف

۱۸ همان

۱۹ همان

راه بیفتد، نمی‌شود تو این جا بنشینی و بخواهی به مقصد برسی، باید حرکت کنی، «فَلْيَعْمَلْ» چه عملی؟ «عَمَلًا صَالِحًا» عمل صالح. کافی است؟ نه؛ «وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^{۲۲} عمل صالح و خالص می‌خواهد. آن وقت بینید عمل صالح با اخلاص که جمع شد می‌شود حاج قاسم سلیمانی که این روزها صدای این عبد صالح خدا در تمام این عالم پیچیده است. جمالش، صورت نازنین او، دعوت کننده به خدای متعال است. این تصویر بیرون هم نباشد در دل شماها همیشه هست. مگر چه کار کرده است؟ این مقارنت عمل صالح و اخلاص است. این دو که به هم رسید این گونه می‌شود.

عمل صالح مراتب دارد. خیلی

۲۲ آیه ۱۱۰ سوره مبارکه کهف

این نص کلام الهی است، این رجاء صادق است «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ»^{۲۰} این کسی است که می‌گوید من می‌خواهم به بهشت الهی و به ملاقات رضوان حق بروم و می‌خواهم به جمال حق تبارک و تعالی نظاره کنم «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ * إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ»^{۲۱} این دیگر نص قرآن کریم است، می‌خواهم جمال الهی را مشاهده کنم، عظمت الهی را مشاهده کنم.

شهید سلیمانی؛ حاصل مقارنت عمل صالح با اخلاص

اگر کسی این چنین هدف‌گذاری کرد، قرآن می‌فرماید خیلی خوب بسم الله، «فَلْيَعْمَلْ» این دیگر باید

۲۰ همان
۲۱ آیات ۲۲ و ۲۳ سوره مبارکه
قیامت

و برود. در محل مأموریتش متمرکز بود. این‌ها جهادهای بزرگ است. حتی کربلا نرفته بود. حدود سی و چهار سال در مأموریت خودش ایستاده بود تا این کار درست در بیاید. یا در عرصه‌های علمی مثل آقای فخری‌زاده؛ چه می‌دانستیم یک چنین کسی هست. این‌ها ویژگی‌شان این است که اهل عمل هستند، بزرگترین اعمال اگر در عرصه علمی است می‌شود مثل شهید فخری‌زاده، اگر در عرصه میدان مبارزه و رویارویی با دشمن است می‌شود مثل حاج قاسم و همین آقای موسوی و دیگران و دیگران.

«فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»^{۲۳}

مطلب دومش اخلاص است. عمل هرچه شدیدتر و جدی‌تر

۲۳ همان

مراتبش با هم فرق می‌کند. او قوی‌ترین عمل صالح را داشت، یعنی بازگشایی منطقه مقاومت به روی اندیشه‌های اسلامی و الهی را داشت. گفت حالا ایران به جای خودش، گفت برویم، راه را باز کرد، جبهه مقاومت را برای مولای خودش سازماندهی کرد و به جمهوری اسلامی عمق راهبردی داد. پشتوانه امنیت ما را خیلی قوی کرد. چقدر از مؤمنین را در عالم نجات داد. با تدابیرش آن دشمن‌های کثیف را زمین‌گیر کرد.

البته اصحاب و یارانش ناشناخته هستند. اخیراً هم یکی از ایشان به او ملحق شد، تازه ما شناختیم که عجب! این آقای سیدرضوی موسوی از همان تبار است. ۳۴ سال از سوریه خارج نشد جز سالی یک دفعه بیاید ایران

یادتان باشد یک وقت به شما نقل کردم آن شهید سعید والامقام، دوست ما، به بنده گفت که فلانی به رفقای من بگو حتی شهداء این جا براساس تقوای شان درجه بندی می شوند. همه این ها «من ادلّة الرشاد» هستند، ستاره راهنما هستند، الهام بخش هستند. قرآن هم می گوید: «وَسَتَّبِشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^{۲۵} شما این شهداء را، هر کدام را ببینید دارند شما را دعوت به خدای متعال، دعوت به ایشار، دعوت به ایمان، دعوت به ولایت، دعوت به حقیقت، دعوت به ایشار، دعوت به از خودگذشتگی می کنند. «من ادلّة الرشاد»؛ در باره همه آنها این دعا مستجاب شده است.

۲۵ آیه ۱۷۰ سوره مبارکه آل عمران

و اخلاص هرچه عیارش بالاتر و بالاتر، این دو دست شان که به دست هم برسد معجزه می کنند. آن وقت یک چنین کسی می رسد و بعد می تواند دیگران را هم برساند.

شهداء، ستاره های راهنما هستند

دعای امام سجادی برای کل شهدای ما مستجاب شده است. اصلاً شهید یعنی این، همه این شهداء خصوصیت شان این است که «من ادلّة الرشاد» هستند. آقا جان فرمودند این ها ستاره های راهنما هستند، نجوم هستند، می شود با این ها راه را پیدا کرد. اگرچه آنها هم باز خودشان درجاتی دارند «هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ»^{۲۴} یک درجه که نیست، درجاتی است. ۲۴ آیه ۱۶۳ سوره مبارکه آل عمران

سیر مراتب کمال به سوی خدا و رسول

آن وقت امام راحل و عظیم الشان ما که اهل فن است، وقتی این آیه را به او می‌دهی می‌گوید ای بیت نفسه. یعنی «من یخرج من بیه»، یعنی مربوط به سیر مراتب کمال است، یعنی از بیت نفس‌اش، از نفس‌انیتش سیر کند، خارج بشود برود به سوی خدا و رسول، یعنی شباهت پیدا کردن به اولیاء خدا. وقتی هم که می‌گوید «الی الله و رسوله» یعنی اگر گفتیم الله، شما رضای خدای متعال را بخواهید در سیمای چه کسی پیدا کنید؟ در جمال محمد و آل محمد (صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین) پیدایش کنید.

حالا ایشان راه افتاد، اهل عمل است، خب خدا را شکر اهل عمل است، اتفاقاً حرکت کرده از خود به سوی خدای متعال، از نقص به سوی کمال، از گناه به سوی ثواب، حرکت

فرمود «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ...»^{۲۶} می‌گویند چون این جا مقصد الله و رسول است، این بیت می‌شود بیت النفس، نه منظور خانه خودش، مثلاً از این جا راه بیفتد برود به سمت مکه، یا برود به سمت مدینه، مثلاً «مَنْ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ» مثلاً از خانه خودش در تهران راه بیفتد برود به سمت کعبه و برود به سمت مدینه برای زیارت و این‌ها. آن می‌تواند یک مصداق کوچکی باشد. اصل معنا چون مقصد الله و رسول است، نگفت الی بیت الله و بیت رسوله، گفت: «مَنْ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ...»^{۲۷}

۲۶ آیه ۱۰۰ سوره مبارکه نساء
همان ۲۷

باز هست. «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» یعنی خدای متعال بر خودش پاداش این شخص را واجب کرده است، پاداش او چیست؟ پاداش او این است که این به هدف می‌رسد.

شهید و مؤمن صادق در عالم برزخ رشد دارد

آن وقت این‌ها کسانی هستند که در عالم بعدی تمیم نور می‌شوند، برزخ‌شان با برزخ آدم‌های معمولی فرق می‌کند. آدم‌های معمولی وقتی مُردند برزخ‌شان توقف است، متوقف هستند. آدم‌های بد وضع‌شان چیز دیگری است. آدم‌های معمولی، خوب‌های معمولی وقتی از دنیا رفتند آن طرف متوقف هستند. مثل یک کسی که بیهوش شد از هوش رفت، در یک حالت کما،

کرده دارد می‌رود، وسط کار اجل او رسید، این هنوز به کمال نرسیده، هنوز ناقص است، مرگ از راه رسید، یک وقت دید پیک اجل جلوی او ایستاده می‌گوید برویم. خب تکلیف این چه می‌شود؟ خیلی آیه صریح است «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ»^{۲۸} فرمود نگران نباشید «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^{۲۹} پاداش یک چنین کسی بر عهده خود خدای متعال است. این هم از عجایب آیات قرآن است. کاش می‌شد این را معنی کرد، این آیه این قدر سنگین است که نمی‌شود معنی کرد، «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» یعنی چی؟ این آیه خیلی عجیب است. البته اشباه هم در قرآن دارد، شبیه این هم

۲۸ همان

۲۹ همان

بیاورید (وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا...)»^{۳۲} این‌ها که مثل سایرین نیستند «وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»^{۳۳} آن‌جا دارند رزق می‌گیرند و رزق مساوی با رشد است، یعنی همین جور دارد رشد می‌کند. من گاهی به پدر و مادرهای شهداء گفتم شما تصویری که از فرزند شهیدتان دارید تصویر دوران نقص اوست، این وقتی پیش شما بود ناقص بود، آن تصویر اکنون در ذهن شما است؛ یک نوجوانی بود، یک دانشجویی بود، یک کسی بود، که مشغول فعالیت‌هایش بود، متها تعریفی هم که می‌کنی می‌گویی خیلی خوب بود، از ایمانش می‌گویی، از اخلاقش

دیگر این جور می‌مانند تا تکلیف‌شان در قیامت معلوم بشود. در برزخ رشد ندارند. شهید است که در برزخ رشد دارد، و مؤمن صادق است که در برزخ رشد دارد. یعنی آن‌جا هم همین جور تغذیه می‌شود.

قرآن کریم راجع به شهداء فرمود: «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»^{۳۰} فرمود اگر دیگران میّت هستند، اموات هستند، شما در مورد شهید حق ندارید بگویید این مُرد. قرآن می‌گوید زبانت را گاز بگیر. خداوند شهداء را مال خودش می‌داند، کسی سمت آن‌ها برود با خدا طرف می‌شود. فرمود حق ندارید بگویید «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ...»^{۳۱} از این بالاتر؛ گفت حتی حق ندارید به ذهن‌تان

۳۲ همان
۳۳ همان

۳۰ آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل عمران
۳۱ آیه ۱۵۴ سوره مبارکه بقره

می‌شود تا برسد به آن جایی که باید برسد. این هنوز آن که باید بشود نشده بود که شهید شد، یا هنوز نشده بود آن که باید بشود از دنیا رفت، این هنوز در مسیر بود، نرسیده بود به آن جا که باید برسد. فرمود تو چه کاره هستی؟ اصلاً به تو چه ربطی دارد؟ این با خود من است، به عهده من است. خدای متعال می‌گوید: «فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^{۳۵} می‌گوید این اجرش با خود من است، اجرش چیست؟ اجرش رساندن است. این می‌خواست به خدا و رسول برسد، به آن مقامات عالی دست پیدا کند، اجر او با خودم است، او را می‌رسانم، به شما چه ربطی دارد؟ این آن جور کال و نرسیده نمی‌ماند، این می‌آید در آن

می‌گویی، این‌ها را برای ما تعریف می‌کنی، اما آن کجا، الان کجا. این دائم دارد در محضر خدای متعال تغذیه می‌شود، «يُرْزَقُونَ»؛ این دائم دارد به او رزق می‌رسد، رزق او چیست خدا می‌داند، «میان عاشق و معشوق رمزی است، چه داند آن که اشتر می‌چراند»، آن که شتر نفس‌اش را دارد در این مزبله دنیا می‌چراند چه می‌فهمد که شهید یعنی چی، یعنی کجا، آن‌ها چه مقاماتی دارند، چه حالی دارند، اکنون آن‌ها خیلی جلو هستند.

از لحظه شهادت‌شان این‌ها تحت برنامه رشد هستند، یعنی دعای «رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا»^{۳۴} برای این‌ها در برزخ مستجاب است، این‌ها در برزخ‌شان تمیم نور می‌شوند، یعنی نورشان دائم تقویت

مسیر، آن وقت با سرعت و تضمین شده می‌رود تا برسد. **من اهل السداد»، بلکه «و من ادلة الرشاد»، نه که خودم خوب بشوم، بلکه می‌خواهم مروج خوبی‌ها باشم، نه که خودم نورانی بشوم، بلکه می‌خواهم به جامعه نورافشانی کنم. نه که می‌خواهم خودم با تقوا بشوم، بلکه می‌خواهم خلق را به تقوا دعوت کنم. این می‌شود «من ادلة الرشاد».**

عزم می‌خواهد، اراده می‌خواهد، با حرف و گزافه و آرزوهای خیالی و این‌ها کسی به جایی نمی‌رسد، «عزم و اراده یخ‌تارک بها» اراده استواری می‌خواهد که خدا را انتخاب کند و پای انتخابش بایستد، هزینه‌اش را بدهد، برای آن سرمایه‌گذاری کند، از عمرش، از وقتش، از جوانی‌اش، از ذهنش، از فکرش، از مالش، همه را بیاورد پای این کار؛ اگر این شد، یعنی

مسیر، آن وقت با سرعت و تضمین شده می‌رود تا برسد.

پرچم‌دار رشد برای خلق باشید

«و من أدلة الرشاد» می‌گوید شما در زندگی‌تان، در هدف‌گذاری‌تان عادی نباشید، نه این که بگویید من خودم می‌خواهم به رشد برسم، بلکه بگویید من می‌خواهم پرچم‌دار رشد باشم برای خلق، من می‌خواهم بندگان خدای متعال را به رشد برسانم، این گونه فکر کنید. مخصوصاً جوان‌ها این نگاه را قدر بدانند، وقت‌شان را تلف نکنند، وقت‌شان را در خودسازی از دست ندهند. این مدلی هدف‌گذاری کنند.

می‌گوید: «و اجعلنی من أدلة الرشاد» نه فقط «متعنی بالاقصاد»، نه فقط «و اجعلنی

در عرش الهی می‌درخشید،
«مَنْ عَلَيْنَا فَجَعَلَكُمُ اللَّهُ فِي
يُوتِ أَذْنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ
فِيهَا اسْمُهُ»^{۳۶} خدای متعال
 به ما منت گذاشته است،
 فاطمه مال این عالم نیست.
 پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) هر وقت
 دلش برای آن عوالم تنگ
 می‌شد فاطمه‌اش را می‌بویید،
 بعد می‌فرمود از او بوی
 بهشت را استشمام می‌کنم.

فاطمه کیست؟ این قدر
 بدانید که خود کلمه فاطمه
 (سلام‌الله‌علیها) یعنی ناشناخته و
 شناختن حقیقت او امکان‌پذیر
 نیست مگر برای خداوند و
 رسول و اهل بیت (صلوات‌الله‌وسلا
 مه‌علیهم‌اجمعین). **«وَمَا أَدْرَاكَ مَا**
لَيْلَةُ الْقَدْرِ»^{۳۷} فرمود: **«الليل**
هی فاطمه» قدر الله تبارک و
 تعالی، لیلۃ القدر، آن راز سر به

راست گفت. ان شاءالله همه
 شما از صادقین و صالحین
 باشید و این دعای امام سجاد
 (علیه‌السلام) ان شاءالله در باره همه
 شما و دوستان‌تان، خانواده‌ها
 و عزیزان‌تان مستجاب بشود.

فاطمه (سلام‌الله‌علیها) راز سر به مهر آفرینش است

جلسه امشب ما در آستانه
 ولادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)
 است. بیست جمادی الثانی
 از درخشان‌ترین قطعه‌های
 زمان است. ما شیرین‌تر از
 این روزگار و از این قطعه
 نداریم. چیز عجیبی است؛
 چون می‌دانید درخشان‌تر از
 ستاره فاطمه (سلام‌الله‌علیها) ندارد،
 زهرا (سلام‌الله‌علیها) زهره عرش
 خداست. گفت چرا به او
 می‌گویند زهرا؟ پیغمبر اکرم
 (صلوات‌الله‌علیه) فرمودند نور او

۳۶ عیون أخبار الرضا: ۱/ ۲/۲۷۵.

۳۷ آیه ۲ سوره مبارکه قدر

* وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا»^{۳۸} آن ماه است این زهره‌اش است، آن هم ستاره‌ها و درخشش است، خودش یک کهکشانی است.

حالا خدای متعال به عالم ما منت گذاشته و فاطمه (سلام الله علیها)

را در قلبی مثل قالب‌های ظاهری انسانی این جا فرستاده

است. فرمود ظاهر ایشان شما را به اشتباه نیندازد، در خانه

نزدیک شما زندگی می‌کرده، شما را به اشتباه نیندازد. مثل

شما غذا می‌خورد، می‌خوابد، زندگی

می‌کند، شما را به اشتباه نیندازد، حوراء انسیه است.

فاطمه (سلام الله علیها) نه فقط محیط

این عالم را نورافشانی کرده است، بلکه ایشان زمانی که

روی این زمین هم زندگی می‌کرد امتداد نورش عالم بالا

را روشن می‌کرد. فرشته‌ها از آیات ۱ و ۲ سوره مبارکه شمس

مهر آفرینش فاطمه است. سرّ

مستتر محمدی فاطمه (صلوات الله وسل

امه علیهم اجمعین) است. اگر در ظاهر

لیله القدر این جهانی قرآن صامت نازل شد، در حقیقت

این لیله القدر قرآن‌های ناطق نازل شده است؛ حسن، حسین

(سلام الله علیهما)، حضرت مهدی (عج

لله تعالی فرجه الشریف و علیه السلام)، این‌ها

قرآن ناطق هستند، این‌ها از افق فاطمی طلوع کردند، از

این لیله القدر طلوع کردند. این مقام خیلی عظمت است.

فرمود سال‌ها قبل از آفرینش

عالم و آدم، نه عالمی بود، نه آدمی بود، فاطمه بود و

فاطمه بود و فاطمه بود، در پرتو نور محمد

(صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین) که خورشید عرش

الهی است، این زهره‌اش است. علی (علیه السلام) قمر آن

است «وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا

جلوات کوثر در زمانه ما

در آستانه این روز بزرگ هستیم، به همه تبریک می‌گوییم به خانم‌ها بیشتر و مضاعف تبریک عرض می‌کنیم. ان شاءالله بر همه مبارک باشد. دعای ما این است، از خدای متعال بخواهیم، در ایام ولادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) هم این دعا مستجاب است. من چند بار به شما گفتم، یکی از جلوات کوثر در زمانه ما حضرت آقا (روحی فدا) است، امام راحل عظیم الشان در زمان ما از جلوات کوثر بود که ولادتش مقارن ولادت حضرت مادر (سلام‌الله‌علیها) است. ایشان خواسته‌های اصلی‌شان را مخصوصاً در ولادت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) از خدای متعال می‌گیرند.

او نور می‌گرفتند، از نمازش بهره‌مند می‌شدند. برکتش همه آفاق را گرفته است. «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ...»^{۳۹} این فاطمه است؛ «مبارکة». همه وجودش برکت است. قرآن کریم با یک کلیدواژه این حقیقت را آشکار کرد، «إِنَّا اعطیناک الکوثر»^{۴۰} همه‌اش را یک جا به تو دادیم. همه‌اش یعنی همه برکت، همه خیر، همه زیبایی، همه حقیقت را یک جا با فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به تو دادیم. این وجود اقدس است که با حقیقت وجودی او زن معنا شد، مادر معنا شد، همسر معنا شد، دختر شرف گرفت. شرافت از این جاست.

۳۹ آیه ۳ سوره مبارکه دخان
۴۰ آیه ۱ سوره مبارکه کوثر

گشایش ابواب رحمت الهی، با توسل به ساحت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)

شب و پس فردا، یک روز بسیار بزرگی است، توسل به ساحت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، ابواب رحمت الهی را باز می‌کند. کلید خزائن رحمت و برکت پروردگار متعال نام صدیقه اطهر (سلام‌الله‌علیها) است.

افتخار به شرف بانو بودن

خداوند خانم‌ها را بر جسم عنصری‌شان به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) شباهت داده است. خدای متعال شاهد است، اگر خانم‌ها این را می‌فهمیدند، به شرف بانو بودن‌شان یک عمر افتخار می‌کردند. بانوان ما اگر این را درک می‌کردند، آن وقت تمام زندگی‌شان را خرج می‌کردند برای این که زهرایی زندگی کنند، عقیقانه زندگی کنند، مستوری کنند، حیاء‌شان را قدر بدانند،

این را یادتان باشد، وقتش است، سحر، یعنی فردا شب خیلی سحر خجسته‌ای است. دستی به آسمان برداشته بشود به نام حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) این رد نمی‌شود، مغفرت می‌خواهید، رحمت می‌خواهید، برکت می‌خواهید، «بالمغفرة و الرحمة و البركة» می‌خواهید فردا شب. ماه رجب‌تان را می‌خواهید فردا شب. ماه رمضان‌تان را می‌خواهید فردا شب. لیلۃ القدرتان را می‌خواهید فردا شب. عاقب به خیری می‌خواهید فردا شب. هرچه می‌خواهید؛ برکت دنیای‌تان را می‌خواهید فردا شب، برکت آخرت‌تان را می‌خواهید فردا شب. این را قدر بدانید، فردا

صفای‌شان را قدر بدانند، معنویت‌شان را قدر بدانند، اهل ذکر بشوند، اهل فکر بشوند، اهل معنا بشوند، اهل طهارت بشوند، اهل نورانیت باشند، اهل وفا باشند. این‌ها آن چیزهایی است که برای حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بود.

خانم‌ها معمولاً زودتر هم می‌رسند. طبق قاعده هم هست. خدای متعال در وجود آن‌ها یک رازی قرار داده است، راز فاطمی در وجود خانم‌ها هست که اگر آن راز را کشف کنند در سیر الی‌الله و در مسیر انسانیت و مقامات معنوی سرعت‌شان بیشتر است. این‌ها را خدای متعال به آن‌ها داده است، منتها باید این را کشف کنند، نیفتند دنبال این ظواهر. این مسابقه تجمیل مسابقه زمین زنده‌ای است، هم خودشان

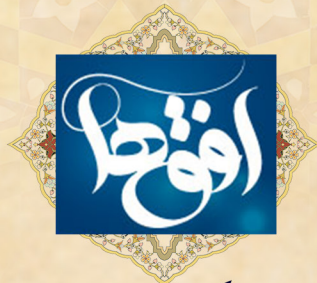
را زمین می‌زند هم دیگران را، دائم می‌خواهند قیافه‌شان را خوشگل‌سازی کنند، خدای متعال شما را خوشگل خلق کرده است. شما اصلاً نیازی به این بازی‌ها ندارید. مستوری شما را پرواز می‌دهد نه جلوه‌گری. اگر خواستید جلوه‌گری کنید به نورتان جلوه‌گری کنید، به جمال فاطمی درونی‌تان تجلی کنید، مبتلا به این بازی‌ها نشوید. کسی به این بازی‌ها مبتلا شد سرّ فاطمی‌اش از دستش می‌رود. وقتی از دست رفت این خانم دیگر چه خاصیتی در این دنیا دارد؟ شماها الحمدلله دارید، قدرش را بدانید.

محمد و آل محمد به زودی
ریشه‌شان را بکند به برکت
صلوات بر محمد و آل محمد.
«اللهم صل على محمد و آل محمد»

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ
بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ
وَ الْبَحْرِ تَفْضُلٍ عَلَيَّ فَقَرَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ
وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضَى
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ
وَ الصَّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ
وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ
وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ
إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ
بِمَحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ».

خدا ان شاءالله نصرتش را بر
مردم فلسطین و غزه نازل
کند. بر حامیان‌شان نازل کند.
دشمنان‌شان؛ رژیم صهیونیستی،
امریکای جهانخوار، اعوان و
انصارشان را بیش از این خوار
و ذلیل و منکوب و رسوا و
دریدر کند، نکبتش را بر آن‌ها
نازل کند. ان شاءالله به حق





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر